

# آغاز شمارش معکوس

## عمر رژیم جمهوری اسلامی!

بعد از قیام از همان آغاز حاکمیت جدید، جنایات و حشایانه‌ی رژیم نسبت به زحمتکشان و نیروهای انقلابی بطور مستمر و پیگیر دنبال شد. در این سرکوبها، هر دو جناح حاکم شرکت داشتند و در تمام جنایات رژیم بطور مستقیم سهم بودند. از کودتای ۲۸ مرداد ۵۸ و طرح ولایت فقیه در مجلس خبرگان، اختلاف دولت موقت و حزب جمهوری اسلامی، که از قبل نیز وجود داشت، شکل تازه‌ای بخود گرفت. اختلافات دولت موقت و حزب جمهوری اسلامی بهیچوجه در ضرورت سرکوب زحمتکشان و نیروهای انقلابی و بازسازی سرمایه‌داری نبود، بلکه عمدتاً در شیوه‌ی سرکوب و نحوه‌ی بازسازی بود. بدنبال شکست رژیم در اولین حمله‌ی نظامی سراسری به کردستان (که مزدورانی نظیر ابوشریف و چمران از تعزیه‌گردانان روی صحنه‌ی آن بودند)، بدنبال درهم ریختن توهم بیستی از پیش توده‌ها نسبت به رژیم (که تبلور آن در انتخابات شورای شهر انعکاس یافت)، بدنبال اوج مجسده مبارزات زحمتکشان، خلقها، سازمانهای دانش آموزان، دانشجویان و غیره، حزب جمهوری اسلامی در فکر صحنه سازی و نمایش جدید افتاد که هم رقیب خود را در خاک کمیت را به عقب بنشانند، هم مبارزات توده‌ها را منحرف و سرکوب کند و هم قانون اساسی فوق ارتجاعی، ولایت فقیه را که آماده برای فراندوم بود (و احتمالاً بسیار داشت با بی توجهی مردم مواجه شود)، از تصویب بگذرانند. در اینحال نمایش مسخره‌ی "مبارزه‌ی ضد امپریالیستی" بعیان آمد.

"مبارزه با امپریالیسم" یا "انقلاب بزرگتر از انقلاب اول" دیدیم که با چه فضاحتی بگور سپرده شد. قانون اساسی فوق ارتجاعی، ولایت فقیه، از همان روز اول توسط رژیم زیر پا گذاشته شد. مشکلات اقتصادی و اجتماعی رژیم نه تنها تخفیف نیافت بلکه ابعاد گسترده و هولناکی بخود گرفت. بازرگانان از نخست وزیری بسط شورای انقلاب و بعد به مجلس رفت، جای او را بنی صدر پر کرد.

آغاز شمارش ...

اختلافات حزب و بنی صدر، که یکی میخواست قدرت بلامنازع داشته و دیگری سهم بیشتری در حاکمیت را طلب میکرد، در آغاز در اتاقهای در بسته آغاز شد. بنابر میانه های عمل و اگره های ولایت فقیه و حتی امام جماران، مباحثات و وحدت و همت های حل اختلاف یکی بعد از دیگری با شکست مواجه شدند. و سرکناری بنی صدر در دستور روز قرار گرفت.

رئیس جمهور که مانند بزرگان مدتهای طولانی در تمام اقدامات سرکوبگرانه رژیم شرکت داشت، وقتی که دید حزب جمهوری اسلامی قدم به قدم هدف خود در "حذف" او را دنبال نمیکند، گدازانه و فریبکارانه به فکر توده ها و دفاع از آزادیها افتاد و حملات مستقیم خود را به رهبران حزب جمهوری اسلامی و دولت رجایی آغاز کرد. و این سرکشی و مخالفت آشکار، برای حزب جمهوری اسلامی و آیت الله خمینی قابل تحمل نبود.

یک رشته حوادث ریز و درشت منجمله جنگ ایران و عراق که نزدیک به ۲ میلیون تن از هموطنان ما را از ما و از مسکن خود رانده و در گوشه و کنار ایران پراکنده است، سرکوب و کشتار مداوم و بی وقفه خلق کرد، بیکاری، فقر و گرانگی که بر دوش زحمتکشان جامعه سنگینی میکند، دزدی، قساد و ارتشا در بین حاکمان جدید، اقدامات جنایتکارانه دادگاههای شرع و پاسداران سرمایه که هر روز عده ای از مردم بی دفاع و با عناصر انقلابی جامعه را از دم تیغ میگذرانند، همگی به تشدید و تعمیق بحران سیاسی در هیات حاکمه و ایجاد شکاف در میان دو جناح آن کمک کرده است در این شرایط برای جناح مسلط حزبی دیگر غیر قابل تحمل بود که رئیس جمهور (هرچند در رابطه با منافع خاص خود و نه در جهت منافع مردم) رسماً و علناً علم مخالفت برافرازد.

برای رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی، برکناری رئیس جمهور متعمر و بیعمان شکن، وسیله ای بیش نیست.

هدف همچنان و همواره، سرکوب نیروهای انقلاب و خفه کردن هر نوع صدای اعتراض نسبت به استقرار حاکمیت ارتجاعی و ضد مردمی سرمایه و ولایت فقیه است.

از زمانیکه رژیم اسلحه را در مقابل با خواسته های حق طلبانه ی دموکراتیک مردم بمنابهی یگانه وسیله ای ممکن برای با اعمال کردن حقوق آنها در جنگ فشرده در واقع جنگ داخلی را در ایران آغاز کرده و این کار را که با وقایع خونین نوروز ۵۸، سنندج و فروردین ۵۸ گنبد و بویژه کودتای ۲۸ مرداد شروع کرده بود از آن به بعد در اشکال مختلف ادامه داد. بطوریکه امروز میخواهد آنرا به عریان ترین و بی پرده ترین شکل آن در سرتاسر کشور گسترش دهد. در این میان اگر چه بنی صدر بعنوان مانع اولیه قرار دارد اما در واقع هدف اصلی او نابودی نیروهای انقلابی است تا بخیال خام رهبران جمهوری اسلامی "کار را بکسره" کنند.

رژیم جمهوری اسلامی اینبار نیز در "تحلیل" هبا و "محاسبات" خود کور خوانده است. نه اعدام ۲۳ انقلابی قهرمان بلکه حتی برای انداختن حمام خون و کشتار هزاران هزار نفر از مردم و نیروهای انقلابی نیز، هیچ یک از مشکلات گریبانگیر رژیم را حل نخواهد کرد و آنرا از ورشکستگی اقتصادی و استیصال اجتماعی و درماندگی سیاسی نجات نخواهد داد. و صدای اعتراض چهار میلیون بیگار، دو میلیون آواره ی جنگی، میلیون ها توده های ناراضی و زحمتکش شهری و روستایی و خلقهای تحت ستم بویژه خلق قهرمان کرد را خاموش نتواند کرد.

زحمتکشان جامعه و نیروهای انقلابی، با مبارزه و اتحاد و شکل و مقاومت خود، اینبار نیز توطئه های رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی را با شکست مواجه خواهند کرد. رهبران جمهوری اسلامی کورخوانده اند که میتوانند با تحمیل جنگ داخلی به توده ها، به حاکمیت پوتالی خود قوا می بخشند. جمهوری اسلامی با طرح عرییان و آشکار جنگ داخلی، در صدد کندن گور خویش است. ■

“رهائی” سه بار ...

تسلیم یا مقاومت و تعرض؟ پاسخ در بطن وقایع روز ۳۰ خرداد جوشید. جنابات و جشبانه ی همیشگی رژیم در این روز بدون پاسخ نماند. اعدام ۲۳ انقلابی و کمونیست توسط رژیم، نشانه ای از ضعف و وحشت و استیصال رژیم است و نه نمونه ای از قدرت او. اتحاد عملی که میان اینهمه در صفحات رهائی درباره ضرورت آن سخن گفته ایم در روز ۳۰ خرداد در صحنه مبارزه، تحقق یافت.

هواداران کلیه سازمانهای کمونیستی، در رویا روشی مجاهدین با اوباشان رژیم، حضور فعال داشتند.

حفظ و تداوم این روحیه، در کشاندن روز بروز بیشتر توده به صحنه مبارزات یا دلسرد و منفعل کردن آنها، نقش اساسی خواهد داشت. سازمان ما بعنوان بخشی از جنبش کمونیستی ایران در این باره احساس مسئولیت می کند. انتشار "رهائی" سه بار در هفته، گامیست برای پاسخ به این مسئولیت، و مبارزه علیه اختناق و سانسور، و ارائه اخبار مبارزات توده ها. و این وظیفه است بدوش کلیه سازمانهای کمونیستی و انقلابی و تا آنجا که به سازمان ما مربوط می شود، علی رغم محدودیت امکانات ما در چاپ و بخش، از هیچ کوششی در این زمینه فروگذار نمی کنیم و در همینجا از مردم مبارز بویژه از هواداران سازمان میخواهیم که با رساندن هر چه سریع تر اخبار و اطلاعات و نیز با هر وسیله ای که در اختیار دارند، از جمله با تکثیر شماره های رهائی برای بخش هرچه وسیع آنها در بین توده ها ما را یاری دهند و نقشه های شیوم رژیم را در سرکوب کامل آزادیها و در استقرار استبداد ولایت فقیه، نقش بر آب سازند. ■

از قتل در کفاشی شارل ژوردان

قاتل در تاقسی

الف - در مصاحبه ی تلویزیونی با کارشناسان تعیین حدود و شعور آزادی سیاسی! آزادی شناس مشهور، کباتوری چنین فرمودند که در دیکتاتوری شاه چنین بود و چنان، و خلاصه آزادی نبود! خودکامگی تا بدانجا پیش رفته بود که روز روشن محافظ ثابتی (مقام امنیتی) مرد بیگناهی را به قتل می رساند و ... اما در جمهوری

اسلامی خوشبختانه چنین است و چنان و ....

ب - ۲۳ اردیبهشت ۶۰، در حوالی میدان خراسان، در غروب نه چندان روشن! یکی از "رزمندگان دلیر اسلام" بنام محمد رضا مقیمی راننده تاکسی بیگناهی بنام محمد علی ساکتی را در پی مشاجره بر سر کرایه تاکسی به قتل می رساند و ....

ج - آیا آزادی شناس مشهور ما خواهد توانست در حکومت بعدی هم طی مصاحبه ای اعلام کند که در جمهوری اسلامی چنین بود و چنان، آزادی نبود! خودکامگی و هرج و مرج تا بدانجا پیش رفته بود که در غروب نه چندان روشن! کیمته چی بست فطرتی راننده تاکسی بیگناهی را به قتل می رساند و .... اما در (؟) خوشبختانه چنین است و چنان و .... ■

برای تحقق آرمانهای واقعی زحمتکشان: انقلابی دگر باید